

بی‌بال پریدن



«بی‌بال پریدن» جزو کارهای دوره نخست امین‌پور است که در سال ۷۰ منتشر شد. این کتاب مجموعه‌ای است از یازده قطعه نثر ادبی که با بهره‌گیری از طنز و نگاهی شاعرانه به مسائل اجتماعی پرداخته است. کتاب حاصل از نظر تلفیق موفق نثر و شعر، اثری متفاوت به شمار می‌رود. به نوعی به بیان صمیمیت از دست‌رفته و اختلاف طبقاتی حاکم بر جامعه می‌پردازد...

آینه‌های ناگهان



«آینه‌های ناگهان» یکی از معروف‌ترین عناوینی است که مخاطبان شعر معاصر مشاهده کرده‌اند. این نام، در واقع عنوان کتابی است از قیصر امین‌پور. قیصر اشعار این کتاب را در حد واسط سال‌های میانی دهه شصت تا اوایل دهه هفتاد سرود. کتاب در سال ۷۲ منتشر شد و با استقبال چشمگیری مواجه شد. «آینه‌های ناگهان»، اتفاقی تصادفی در زندگی خواننده خواهد بود که تصویر ایمان قیصر امین‌پور به جهانی زیباتر، عاشقانه‌تر و صمیمی‌تر را نشان می‌دهد...

گل‌ها همه آفتابگرداند



«گل‌ها همه آفتابگرداند» طی سال‌های ۶۹ تا ۷۹ سروده شده و شامل ۹۱ قطعه شعر در قالب‌های غزل، رباعی، دوبیتی و قطعات نیمایی است که در سال ۸۰ منتشر شد: هرچه دارم یا ندارم هیچ هیچ / ابر پر بارم، نیارم هیچ هیچ / از تهی سرشار و از خالی پر / چون حبیبی هر چه دارم هیچ هیچ / عهد بستم با تو از عهد قدیم / آن همه قول و قرارم هیچ هیچ / روبه‌روی آفتاب روی تو ذره‌ام / گرمم، غبارم، هیچ هیچ...

مسلط به دست‌ورزبان عشق

درباره **قیصر امین‌پور**؛ شاعری که محبوب بود و محبوب ماند

ایمان طالبی

شاعر و روزنامه‌نگار

اولین بار که نام قیصر امین‌پور به گوش‌تان خورد، کجا بوده؟ خیلی‌ها برای پاسخ به این پرسش به یاد دوران کودکی و نوجوانی و کتاب‌های درسی‌شان می‌افتند. «حاصل جمع قطره‌ها» شعری بود که در کتاب فارسی چهارم دبستان در اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد قرار داشت؛ شعری با مطلع «آبی دریا به رنگ آسمان / قطره‌ها بی‌رنگ و از دریا جداست...» احتمالاً بعضی از خوانندگان با این مطلع «آهان» ای از ته دل گفته و به یاد خاطرات خوش دوران کودکی افتاده باشند. شعر دیگری که از قیصر در حافظه داریم، از این هم برایتان آشناتر است. کتاب پنجم دبستان بچه‌های دهه شصت با شعری به نام «بوی ماه مهر» شروع می‌شد. شعری که در همان ایام به صورت سرود و با آهنگسازی ناصر چشم‌آذر هم اجرا شد تا با مطلع «باز آمد بوی ماه مدرسه / بوی بازی‌های راه مدرسه» هر سال که در روز اول مهر از بلندگوی مدرسه‌ها پخش می‌شود، لبخند را بر لبان بچه‌های امروز و دیروز بنشانند. کتاب فارسی پنجم دبستان دهه هفتادی‌ها هم از حضور قیصر بی‌نصیب نبود. اگر دو شعر اول را در خاطر نداشته باشید، احتمالاً «حضور لاله‌ها» را یادتان باشد؛ شعری که در میان دانش‌آموزان به «اکبر لیل‌زاد» معروف شد و ماجرای دانش‌آموز شهیدی بود که دوستانش سبدی از لاله سرخ روی نیمکتش گذاشتند و به جای او یک‌صدا «حاضر» گفتند.

نمی‌دانم امروز هم این شعرها در کتاب‌های درسی هست یا نه، اما حتماً شعرهای بسیار دیگری از قیصر کماکان در کتاب‌های درسی وجود دارد و کودکان بسیاری مثل ما با اشعار او قد می‌کشند. اما به راستی قیصر که بود که تا به این حد در خاطره جمعی همه ما، با شعرهایش، حضور بارز دارد؟

نام قیصر، متولد گتوند

تا همین امروز، هم اسمش عجیب و غریب است و هم نام زادگاهش! قیصر

امین‌پور یک نام مستعار نیست و مراد امین‌پور در دوم اردیبهشت ماه ۱۳۳۸ که در شهرستان گتوند خوزستان، صاحب فرزندش شد، واقعا نام او را «قیصر» گذاشته بود اما شاید خود او هم نمی‌دانست که این نام کاملاً شاعرانه‌ای که روی پسرش گذاشته، قرار است سال‌ها بعد از او شاعری بسازد که نسل‌های متعدد پس از او شعرش را زمزمه کنند.

قیصر پس از سپری کردن دوران تحصیل ابتدایی و متوسطه، در سال انقلاب یعنی ۱۳۵۷ در دانشگاه تهران پذیرفته شد اما به عنوان دانشجوی رشته دام‌پزشکی! پرواضح بود که این رشته چندین سنخیتی با روحیه شاعر عاشق‌پیشه و لطیف‌طبع ما ندارد. از این رو از تحصیل در این رشته انصراف داد تا ۶ سال بعد بار دیگر و این بار در رشته‌ای که برای آن ساخته شده، یعنی زبان و ادبیات فارسی پا به دانشگاه بگذارد. اتفاقاً این بار دیگر خودش را به خوبی کشف کرده بود، چراکه در همین مرتبه دوم این رشته را تا مقطع دکتری ادامه داد و در نهایت نیز در سال ۱۳۷۶ از پایان‌نامه دکتری خود با عنوان «سنت و نوآوری در شعر معاصر» با راهنمایی دکتر محمدرضا شفیعی‌کدکنی دفاع کرد. این پایان‌نامه امروز کتاب شده و با همین نام از بازار کتاب قابل دسترسی است.

اولین شعرها و اولین کتاب

اولین کتاب قیصر چند سال پیش از این پایان‌نامه بود که منتشر شد. اولین کتابی که از قیصر چاپ شد، کتابی بود تحت عنوان «در کوچه آفتاب» که قیصر آن را در ۲۵ سالگی اش روانه بازار کرد؛ یعنی در سال ۱۳۶۳. «در کوچه آفتاب» دقتی از شعرهایی در قالب رباعی و دوبیتی بود، اما بعدها تجربه نشان داد که او چندان برای این قالب ساخته نشده و در مجموعه کامل اشعار او نیز سهم رباعی و دوبیتی چندان زیاد نیست اما کتاب بعدی قیصر ماجرای کمی متفاوت است.

به دنبال کتاب «در کوچه آفتاب» کتاب دیگری تحت عنوان «تنفس صبح» از قیصر منتشر شد که تعدادی از غزل‌ها و حدود بیست شعر نیمایی را

دربری می‌گرفت و قیصر این شعرها را در حد فاصل سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۳ سروده بود. کتاب از سوی انتشارات حوزه هنری وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی به چاپ رسید و شعرهای قیصر در این کتاب ریشه در سنت، تنفس در حال و نگاه به آینده داشت.

دکتر محمدرضا روزبه در مقاله‌ای درباره شاخصه‌های ادبی اشعار قیصر در این دو کتاب می‌نویسد: «در این دوره شعر قیصر - به‌رغم بُردهای عاطفی آن - کمتر نشانی از «فردیت هنری» با خود دارد، زیرا به نسبت آن برهه از زمان، شاعران مذهبی و همگام با نظام، تعهد دینی و التزام انقلابی را ضروری‌ترین خصلت هنر و هنرمند می‌دانستند و فراتر از این قلمرو، چندان رسالتی برای خود و هنرشان قابل نبودند. افزون بر این، «حضور و حرکت محفلی» در عرصه شعر به تحکیم و تقویت این باور می‌انجامید؛ شاعری در جمع و جرگه «شاعران و هنرمندان مسلمان حوزه اندیشه و هنر اسلامی» بودن، خط سیر فکری و روحی خاصی را برای شاعر رقم می‌زد.»

سه تفنگدار!

نام قیصر امین‌پور در فضای شعر انقلاب با یک شخصیت دیگر در پیوند و خویشاوندی جدی است و او کسی نیست جز سیدحسین حسینی. شروع ارتباط جدی این دو با یکدیگر به سال ۱۳۵۸ برمی‌گردد که قیصر و سیدحسین به حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی می‌روند و در واحد شعر آن مشغول به فعالیت می‌شوند. آن روزها سیدحسین حسینی در چهارراه قدوسی و در ستاد ارتش، سرباز بود. او همانجا یعنی در سربازی با ساعد باقری آشنا و از این طریق وارد حوزه هنری می‌شود.

اما به این دو نفر، یک نفر دیگر را نیز باید افزود تا مثلث شعر انقلاب کامل شود و او کسی نیست جز سلمان هراتی. هراتی مدتی پس از قیصر و سیدحسین حسینی به حوزه هنری می‌آید و خیلی زود عضوی از حلقه شعر حوزه می‌شود. هراتی در آن روزگار دانشجوی دانش‌سرای تربیت معلم بود. در همان ایام جلسه‌ای تحت عنوان پنج‌شنبه‌های